

تبیین معنوی انسان‌شناسی شناختی، الزام معماری نوین علوم ترویج و آموزش محیط زیست

منصور شاه ولی^۱

چکیده

الزام بومی معماری نوین علوم ترویج و آموزش محیط زیست، واکاوی واژه زیست‌بوم است که در مغرب‌زمین، پنج قرن سابقه دارد؛ ولی دیر هنگام و با آغاز قرن حاضر انسان عامل تخریب آن اعلام شد. واکاوی مطالعات حوزه‌های کشاورزی، توسعه روستایی و محیط زیست ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۰ داخل و خارج از کشور نشان داد انسان‌شناسی شناختی، کانون توجه این مطالعات بوده است. متناسب با بوم معرفتی و فنی کشور و روش قرآنی تبیین، انسان‌شناسی شناختی سه حوزه مذکور بازخوانی شد؛ به‌طوری‌که شناخت حقیقت طبیعت نسبت به واقعیت محیط انسان = ۱ باشد؛ یعنی این نسبت متعادل تبیین شده است. چنانچه این نسبت < ۱ تبیین شود، به شناخت حقیقت طبیعت بیش از شناخت واقعیت محیط انسان پرداخته شده که به توهم و بالعکس آن، به توقف معنویت در محیط انسانی می‌انجامد؛ زیرا تبیان معنوی انسان‌شناسی شناختی، غایت انسان را مدنظر دارد تا نقش فاعلیت خلیفه‌اللهی او را در اداره محیط زیست به او یادآور شد. در این مقاله، چگونگی تبیین معنوی انسان‌شناسی شناختی مطرح شده است و به دست‌اندرکاران علوم ترویج و آموزش محیط زیست توصیه می‌شود تا با فراگیری فلسفه ملاصدرا شیرازی و با کمک اندیشمندان انسان‌شناسی شناختی، فرصت تحقق معنویت را در حوزه محیط زیست فراهم سازند.

کلید واژه‌ها: تبیین معنوی؛ انسان‌شناسی شناختی؛ محیط زیست

۱ مقدمه

از قرون گذشته تاکنون، وضعیت محیط زیست به تدریج وخیم‌تر و تخریب آن تشدید شده، به‌طوری‌که به زیان دوسویه انسان و طبیعت انجامیده است؛ ولی، جای شگفتی

^۱استاد بازنشسته گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. نویسنده مسئول.
shahvali@shirazu.ac.ir

است که حدود چهار قرن از ظهور این واژه در مغرب‌زمین می‌گذرد (Scholz, 2020) که این بحران‌ها از نیمه قرن گذشته کانون توجه قرار گرفت. با آغاز قرن حاضر، عامل اصلی این تخریب‌ها انسان اعلام گردید؛ این در حالی است که نه قرن پیش در قرآن آمده است: به سبب آن چه دست‌های انسان فراهم آورد، فساد در خشکی و دریا نمودار شد تا [سزای] برخی از آن چه کرده‌اند به آنان بچشاند، باشد که بازگردند .

تأثیر سوء فrazمانی و فرامکانی تخریب‌ها مثل انفجار هسته‌ای، نشت نفت و پلاستیک به دریاها، حرکت ریزگردها و آلودگی‌های صوتی و صنعتی، بر امنیت غذایی، زیست‌بوم و سلامت فردی و جمعی، مستندسازی شدند که ضرورت درک دقیق اداره تخریب‌ها یادآور شدند؛ زیرا وجود زیست‌بوم سالم، لازمه ادامه حیات است و متفکران ناگزیرند درباره آن‌ها بیندیشند. در این میان، ساحت فلسفه است که می‌تواند موجودیت انسان و طبیعت را برای آینده آشکار سازد (Beheshti, 2016) ولی با تفکری غایت‌اندیش که لازمه آن، اعتقاد به "غایت" است که نقطه مقابل تفکر مکانیکی است (Davare Ardekani, 2016).

واکاوی‌ها نشان می‌دهد که روش‌شناسی اداره بحران‌های محیط زیست، از منظر فلسفه، به‌ویژه فلسفه متعالیه، کانون توجه نبوده است (Bidhandi and Shiravand, 2015)؛ برای مثال، برخی مراکز فلسفی کشور نظیر بنیاد بین‌المللی حکمت اسلامی صدرا در ۱۳۷۳ با حکم رهبر انقلاب با هدف نشر حکمت و فلسفه اسلامی ایجاد شد و فعالیت خود را با برگزاری همایش سالانه جهانی بزرگداشت این حکیم با انتخاب یک موضوع انجام می‌دهد که بیست و پنجمین آن، اول خردادماه ۱۴۰۰ به موضوع فلسفه و تعامل جهان و انسان اختصاص داشت. متون مرتبط با بحران‌های محیط زیست که غالباً جنبه‌های سلبی (نبایدها) و ثبوتی (بایدها) یا هم‌زمان این دو را به استناد علوم اسلامی با پیشگیری از بحران‌های محیط زیست در برمی‌گیرد، غالباً چیستی و چرایی حفاظت آن را دربرمی‌گیرد ولی از چگونگی اداره آن برای عموم یا فرهیختگان جامعه با زبان و واژگان مقبول آنان،

کم تر سخن به میان آورده‌اند؛ درحالی که ملاصدرا شیرازی در کتاب اسفار اربعه، سفر چهارم را به لزوم ارائه روش‌شناسی اداره جهان (Shahvali, 2021) اختصاص داده و آن را یک ضرورت می‌داند.

از دیگر سو، از یک فیلسوف انتظار می‌رود که چراغ راه آینده باشد؛ زیرا خود را متعهد می‌بیند تا علاوه بر پاسخ به نیازهای جامعه، برای آرمان‌های آن نیز باید تلاش کند؛ در مقابل، یک عالم تلاش می‌کند تا صرفاً با علم، نیازها را پیش‌بینی نماید. برای آشکارسازی تفاوت یک فیلسوف با یک عالم مدرن به مناسبت سالروز گرامی‌داشت حکیم متاله، ملاصدرا شیرازی قصه عاقبت زمین از نگاه اقبال لاهوری و استیون هاوکینگز، روایت شد (Shahvali, 2020). هاوکینگز در این باره می‌گوید: امروزه، بیش از گذشته، بحران گرمایش زمین، کمبود مواد غذایی، نابودی گونه‌های باقی‌مانده گیاهی و جانوری، بیماری‌های همه‌گیر طاعون و وبا و اسیدی شدن اقیانوس‌ها به ما هشدار می‌دهند که فناوری‌های پیشرفته تخریب محیط زیست را در اختیار داریم؛ ولی راه رفع آثار سوء آن‌ها را تاکنون پیدا نکرده و شاید تا چند صد سال، مستعمره‌ای در دیگر سیارات نیز نتوان پیدا کرد تا به آن نقل‌مکان نماییم. بنابراین، نمی‌توانیم حافظ حیات خویش باشیم. اما، عارف و فیلسوف مسلمان، اقبال لاهوری در اواخر قرن ۱۹ (یک قرن زودتر از هاوکینگز) همین نکته را مطرح و هشدار داد که انسان‌ها با آلودن و فساد در زمین، جایی در آن ندارند و اگر بیدار شوند و از آن چه انجام داده توبه کنند، باید به سیاره دیگر بروند؛ ولی قول دهند رفتارهایی را که در سیاره زمین انجام دادند در آن جا تکرار نکنند. ایشان شهر نمادین مَرَّغَدِین را در سیاره مریخ برای این منظور، توصیف می‌کند (MohagheghDamad, 2015):

مَرَّغَدِین و آن عمارات بلند من چه گویم زان مقام ارجمند
بر طبیعت دیو ماشین چیره نیست آسمان‌ها از دُخان‌ها تیره نیست

هم‌چنان این باد و خاک و ابر و کشت باغ و راغ و کاخ و کوخ و سنگ و خشت
این که می‌گویی مَتاع ما زماست مرد نادان این همه مُلکِ خداست
أرض حق را أرض خود دانی؟ بگو چیست شرح آیه لا تُفْسِدُوا؟

این دو عالم و فیلسوف هم‌نظرند که انسان‌ها به مهاجرت از زمین ناگزیرند، مشروط بر
آنکه رفتارهای سیاره زمین را در سیاره جدید تکرار نکنند؛ همچنین، موانع مهاجرت به
سیاره جدید را با مشارکت از سر راه بردارند.

ا، تفاوت این عالم و فیلسوف به شرح زیر است:

۱. اقبال معتقد است که انسان ابتدا از آن چه رفتار کرده است باید توبه کند؛
۲. اقبال اواخر قرن ۱۹ و هاوکینگز یک قرن پس از او، مهاجرت از سیاره زمین را
روایت کردند؛
۳. اقبال با شهود ولی هاوکینگز با تجهیزات و رایانه‌های پیشرفته کیهان‌شناسی،
این آینده‌نگری را انجام دادند؛

۴. آینده‌نگری هاوکینگز با علم کیهان‌شناسی ولی اقبال با فلسفه انجام گرفت؛ زیرا
طبیعت سرآغاز فلسفه بوده است (Davare Ardekani, 2016).

از منظر قرآن، علت فاعلی تخریب زمین، انسان ولی علت غایی، روگردانی او از خداوند
متعال است که راه نجات انسان همانا بازگشت به او است؛ زیرا در انتهای سوره الروم آمده
است که لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (باشد که بازگردند)؛ ملاصدرا شیرازی، بیش از دیگر فیلسوفان و
عالمان هم‌عصر خود تاکنون، معتقد بود که انسان با سیرالخلق (انسان) بالخلق (طبیعت)
به مقام فنا (فی الله) می‌رسد.

۲. مبانی نظری

هنگامی به تبیین اداره طبیعت می‌توان پرداخت که آن را نه یک صرفِ ابژه، بلکه با آن می‌توان به خدا رسید و خداگونه شد (Shahvali, 2021). نگارنده این سطور، در رساله دکتری ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۴ در کشور استرالیا (Shahvali, 1994) نیز پایداری طبیعت را در قرن ۲۱ هم‌زمان در فلسفه و پراگماتیسم دانست که پیگیری فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی، سیاسی، تولید علم و انتشارات بازه زمانی دهه ۱۳۸۰ (Shahvali, 2004) و ۱۳۹۰ (Shahvali, 2013) مراکز علمی داخل و خارج کشور نیز آن را تأیید نمودند. بنابراین، اعلام شد که این روند پایداری طبیعت در هزاره سوم، باید کانون توجه باشد که درک عمیق انسان، نقطه آغازین آن است؛ به همین انگیزه، مطالعات انسان‌شناسی شناختی حوزه محیط زیست داخل و خارج از کشور واکاوی شدند و شرح در ادامه آمده است.

نگاه متخصصان به طبیعت، غالباً از منظر فن و فناوری است؛ ولی بنا بر اصل پیوند قرآن با طبیعت، همراهی نظام انسانی با نظام طبیعی و هم‌سویی این دو با نظام الهی، فن را با حکمتِ حکمی و نگاه قدسی به طبیعت، طلب می‌کند (Shahvali, 2022) که خبرگان دانشگاهی و حوزوی می‌توانند این نگاه را احیا کنند. همچنین، علی‌رغم اصل این‌همانی طبیعت که قرآن آن را عملی و طبیعت آن را وحیانی تبیین می‌کند (MuhammadGhasemi, 2016) غفلت از آن، باعث شد تا نه‌تنها به آبادسازی طبیعت بی‌توجه بود بلکه هنگام توسعه سرزمینی، مثل ساخت آزادراه تهران-شمال، درختان، مزارع و معیشت روستاییان تخریب گردید؛ درحالی‌که فلسفه اسلامی اکولوژی معنوی توحیدی توسعه سرزمینی، ذی‌نفعان آن را براساس مؤلفه‌های عینی و ذهنی نظام‌مند مشتمل بر اجزای مشهود و نامشهود طبیعت، با نگاه فرارشته‌ای و گُنش حداکثری متخصصان علوم تجربی و دینی (اسلام) مشارکت می‌دهد تا نه‌تنها پاسخ‌گوی نیازهای نسل حال و آینده باشد بلکه به برآوردن انتظارات معنوی خالق هستی نیز تعهد داشت. ویژگی فنی و معرفتی ساختار اکولوژی معنوی توحیدی با توجه به شرایط محلی و

بین‌المللی برای ایجاد وحدت عمل در تهیه و تنظیم توسعه سرزمینی، یک ضرورت است (Shahvali, 2013). ملاصدرا شیرازی نیز معتقد است که با قرآن، برهان، عرفان و شریعت می‌توان با تبیین متعادل نسبت حقیقت طبیعت به واقعیت محیط انسانی، نظام اداره جهان را ارائه داد. برای این منظور، وضعیت پویای کنونی طبیعت با تصویر آینده مورد انتظار آن، مقایسه می‌شود؛ سپس با رعایت دو گام زیر، بیشترین سهم را برای توسعه سرزمینی باید برداشت:

اول: با تفکر فلسفی در جست وجوی کلی‌ترین، ضروری‌ترین و فناپذیرترین حقیقت طبیعت، از وجود مطلق مدد گرفت.

دوم: از واقعیت محیط انسان، شناخت دقیق و عمیقی کسب کرد.

مشروح هر گام چنین است:

اول. با تفکر فلسفی در جست وجوی کلی‌ترین، ضروری‌ترین و فناپذیرترین حقیقت طبیعت، از وجود مطلق برای برخی آیات قرآن مدد گرفت تا:

۱. آگاهان پیرامون این آیات بیندیشند.

۲. زمینه هدایت آگاهان آشکار شود تا شاید پذیرای آن شوند.

۳. راه دست یابی به سنت‌های صحیح پیشینیان و پذیرش توبه از سوی خداوند، راه را برای آگاهان آشکار سازد تا آنان را به سنت‌های (صحیح) پیشینیان

راهبری نماید.

۴. آگاهان براساس علم فراگیر خداوند که به همه چیز دانا است، از گمراهی برهند.

۵. آگاهان از خداوند کمک گیرند؛ زیرا او دانا و حکیم است.

۶. آگاهان، علم و حکمت را از خداوند دریافت کنند؛ زیرا او دانا و حکیم است.

برای اینکه آگاهان در محاورات متون علمی، دو واژه معنا و مفهوم را مترادف به کار نبرند، باید دقت لازم را به عمل آورند؛ زیرا، واژه معنا کرکدا زبان‌شناختی - نشانه‌شناختی

دارد، ولی واژه مفهوم، کارکرد فلسفی دارد که در سنت منطق اسلامی به آن کلی نیز گفته می‌شود که بسیار نزدیک و یا حتی همان چیزی است که به معقول برمی‌گردد؛ دیگر این‌که واژه معنا، از سیر تاریخی زبان و شبکه معنایی آن، ارزش خود را دریافت می‌کند ولی مفهوم، حاصل فرآیند تجرید و انتزاع از مجموعه مصادیقی است که در تقابل با مصداق قرار دارد و این امکان نیز وجود دارد که ذهن انسان با مجموعه‌ای از مفاهیم، مفهوم کلی‌تری بسازد تا بدین ترتیب رابطه سلسله مراتبی میان مفاهیم را برقرار سازد.

بالاخره، معنا، با یک زبان خاص فارسی یا عربی ارتباط مستقیم دارد که در انتقال از یکی به دیگری، با خطر فروپاشی روبه‌رو است یا دست کم، دچار دگرگونی‌های اساسی می‌شود؛ برای مثال، امام خمینیه از معنای تبیین علم سیاست و حکومت‌داری اسلامی با قرآن و برای اعمال قدرت بین‌الملل (Ayaze, 1999) استفاده کرد که با معنای سبک غربی آن برای اعمال قدرت بین‌المللی تفاوت دارد (Shahvali, 2016). علامه طباطبائی‌ره نیز معنای تبیین را کشف و پرده‌برداری از علوم می‌دانند (Tabatabae, 2012).

ولی مفهوم، به زبان حساس نیست؛ زیرا قوام خود را از مصادیق و فرآیند انتزاع کسب می‌کند و از این‌رو می‌تواند در جابه‌جایی میان زبان‌ها کاملاً محفوظ بماند مثل "مفهوم" حقیقت طبیعت که قوام خود را از مصادیق و فرآیند انتزاعی دو مفهوم قداست طبیعت و اصل این‌همانی قرآن و طبیعت به دست آورده است. سید حسین نصر (Nasr, 2008) در کتاب دین و نظم طبیعت درباره قداست طبیعت می‌نویسد:

با توجه به رخوت فکری و معنوی موجود و وخامت بحران محیط زیست، افراد بسیاری درباره آن {طبیعت} بحث می‌کنند؛ ولی از مسایل عمیق‌تر مطرح در این میان، طفره می‌روند که مسأله عمیق فراموش شده، قداست‌بخشی دوباره به طبیعت است؛ زیرا

حُسن گیتی از جمال حق بود هستی عالم از او صادر شود
کُنه این سر را کُند ایمان عیان در پیام لبّ دین افشا شود

ایشان معتقدند، چنین تحولی فقط از طریق احیای مفهوم نظم طبیعت به دست می‌آید؛ زیرا قداست‌بخشی دوباره به طبیعت امکان‌پذیر نیست مگر اینکه ما انسان‌ها وقوف پیدا کنیم "که هستیم" و در این عالم "چه کاره‌ایم". متقابلاً، طبیعت می‌تواند آن واقعیت معنوی درونی را که آدمی در گُنه وجود خویش دارد به وی یادآور گردد... چیزی که مورد نیاز است، بازیابی طبیعت به‌عنوان واقعیتی قُدسی و نوزایی انسان حافظ این امر قُدسی است که این دو {مفهوم} مستلزم مرگ آن تصاویر انسان و طبیعت است که هم تجددگرایی و هم تحولات بعدی‌اش، مولود آن‌اند. این امر، برخلاف ادعای برخی از افراد به معنای "ابداع انسانی نوین" نیست، بلکه دوباره آفتابی ساختن انسان حقیقی، یعنی انسان خلیفه‌الله است.

محمدقاسمی (MuhammadGhasemi, 2016) نیز مفهوم این‌همانی قرآن و طبیعت را توصیف می‌کند:

۱. طبیعت، قرآن را به صورت عملی و قرآن، طبیعت را به صورت وحیانی تعریف و تبیین می‌کند.

۲. قرآن، کتاب تشریع و طبیعت، کتاب تکوین است که هر دو در رمزگشایی از یکدیگر نقش آفرینند که بدون یکی، از دیگری نمی‌توان تصویر جامعی ارائه داد.

۳. قرآن، از سیمای دلربای خالق خود پرده برمی‌دارد و طبیعت بزرگ‌ترین شاهکار آفرینش است.

ایشان، ۲۱ پیوند طبیعت و قرآن را برمی‌شمرد که آن‌ها را زیر چتر مفهوم "این‌همانی" قرار می‌دهد.

دوم: کشف عمیق و دقیق واقعیت محیط انسانی

طاهری‌فر و همکاران (Taherifar et al., 2022) شبکه مفهوم آگاهی ۳۰۳ آیه قرآن را استخراج و ترسیم کرده‌اند که دربرگیرنده پنج دسته فرآیند، پیدایش، مضمون، ابزار-منشأ

و نتیجه است. بررسی آیات دسته فرآیند که ۴۷ مفهوم (۱۶٪ آیات با واژه آگاهی) را در برمی‌گیرد در دو دسته درونی و بیرونی قرار داده‌اند که دسته درونی شامل فرآیندهای حسی-شناختی تفکر، تعقل، تدبیر و غیره است. دسته بیرونی را وسوسه، الهام، وحی و غیره می‌دانند که بر دسته درونی تأثیرگذارند. طاهری‌فر و همکاران، در نتیجه‌گیری آورده‌اند: در قرآن، فرآیندهای حسی آگاهی‌بخش با دیگر فرآیندهای ایجادکننده آگاهی، ارتباط بیشتری دارند. همچنین فرآیندهای بیرونی ایجادکننده آگاهی، ارتباط کم‌تری با دیگر فرآیندها دارند و از بسامد تکرار پایین‌تری نیز برخوردارند. این موضوع کاملاً با سنت‌های الهی و قاعده اختیار مطابقت دارد که انسان در ابتدا باید با حواس ظاهری و باطنی خویش به آگاهی و شناخت دست یابد و آن‌گاه خداوند در راستای تلاش او با الهام، وحی و غیره به او کمک می‌کند. اگر فرد از امکانات الهی در دسترس استفاده نکند، طبق سنت‌های الهی دچار وسوسه، غفلت قلب و غیره خواهد شد. همچنین این شبکه نشان می‌دهد که سمع نیز مانند تعقل از راه‌های کسب آگاهی است و شاید در بافت قرآن منظور از سمع چیزی فراتر از شنیدن و حواس ظاهری باشد که نیازمند بررسی بیشتر است.

۳. روش تحقیق

الگوی دینی، بر آن تأکید دارد که پایداری منابع طبیعی و محیط زیست، بر صرف فن و فناوری مبتنی نیست؛ بلکه در دین نیز ریشه دارد (Shahvali, 1994). روش پژوهش قرآنی تبیین نشان داده است که انسان و دین مبنای حفاظت منابع طبیعی و محیط زیست است؛ برای مثال، در همایش جهانی علم در سال ۱۹۹۸ بوداپست مجارستان، یک هزار دانشمند، ویر علوم ۱۸۰ کشور، دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقات متعدد با روش تبیین، به حفظ منابع طبیعی و محیط زیست پرداختند. همچنین، در ماده ۲۶ اعلامیه جهانی علم و کاربرد دانش علمی برای قرن ۲۱ آمده است که نظام‌های سنتی و دانش محلی، به‌مثابه تعبیر پویای درک و فهم جهان می‌تواند به طرز ارزشمندی به علم و فناوری کمک

کنند که نیازمند حفاظت، حمایت و پژوهش ارتقای این میراث فرهنگی و دانش تجربی است. همچنین، جرد دیاموند میسون نویسنده کتاب تفنگ، میکروب و فولاد می نویسد: تاریخ جهان به راستی مانند پیاز است که جدا کردن لایه های آن، جذاب و چالش برانگیز است و لذا تأویل تاریخی تجارب گذشتگان برای آینده ما بسیار مهم است.

سرانجام، روش تبیین، گویای آن است که:

مجموعه ای از اصول، شرایع و اعمال با هدف برقراری ارتباط فرد، جامعه یا گروه با قدرت ملکوتی است؛ زیرا منابع طبیعی و محیط زیست، به تمام پندارها، گفتارها و کردارهایی نیاز دارد که برای حفظ و حراست آن ها، مستقیم یا غیرمستقیم، مؤثر واقع می شوند. به سخن دیگر، دین، یک نظام عقیدتی است که به جهان معنا می بخشد و نگرش آدمی را نسبت به آن دگرگون می سازد و به کاربرد وجدان و اخلاق، امر می کند؛ یعنی نیرویی درونی و روش زندگی دنیوی مبتنی بر نیکی و دوری از بدی را سفارش می سازد. جهان بینی همراه با معنویت و درستکاری، هسته اصلی تمام عقایدی است که به مفهوم وسیع کلمه از دین مراد می کنیم.

روش تبیین در این مقاله که برگرفته از نام قرآن (تبیان) است که اسم مصدر و به معنای روش کردن و آشکار ساختن است. برای آشکار کردن نسبت حقیقت طبیعت به واقعیت محیط انسان با سه حالت روبه رو می شویم (Shahvali, 2022):

اول. اگر درک حقیقت طبیعت بر درک واقعیت محیطی انسان غلبه کند، به توهم پیشرفت محیط زیست می انجامد؛

دوم. اگر این نسبت بالعکس باشد، به توقف پیشرفت محیط زیست منجر می شود.

سوم. با نسبت متعالی درک حقیقت طبیعت به واقعیت محیط انسان، پیشرفت محیط زیست، میسر می گردد.

تبیین نسبت حقیقت طبیعت به واقعیت محیط انسان، در شکل ۱ آمده است.

$$\frac{\text{حقیقت طبیعت}}{\text{واقعیت محیطی}} > 1 \quad \text{توهم}$$

$$\frac{\text{حقیقت طبیعت}}{\text{واقعیت محیطی}} < 1 \quad \text{توقف}$$

$$\frac{\text{حقیقت طبیعت}}{\text{واقعیت محیطی}} = 1 \quad \text{تبیین}$$

شکل ۱. نسبت حقیقت طبیعت به واقعیت محیط انسان

برای درک متعادل حقیقت طبیعت از زبان پیامبر اکرم ص باید گفت:
 کلکم راعٍ، وَ کلکم مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ؛ هر کدام از شما مسؤول هستید و دربارهٔ افرادی که به سخن شما گوش می‌دهند، بازخواست خواهید شد. هر کدام از اهل ایمان در رابطه با آن چه می‌داند، اگرچه یک کلمه باشد، باید مُعلم دیگران باشد؛ یعنی به اهلش برساند و تبلیغ کند و از نااهل احتراز و کتمان نماید و نسبت به کلمه‌ای که نمی‌داند مُتَعَلَّم باشد (Behjat, 2025)

برای درک متعادل واقعیت محیط انسانی در قرآن آمده است:
 لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَاْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِكْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ .
 خداوند هیچ‌کس را جز به قدر توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند. آن چه (از خوبی) به دست آورده به سود او و آن چه (از بدی) به دست آورده به زیان اوست. پروردگارا، اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم بر ما مگیر، پروردگارا، هیچ بار گرانی بر (دوش) ما مگذار؛ چنانچه

بر (دوش) کسانی که پیش از ما بودند نهادی. پروردگارا، و آن چه تاب آن نداریم بر ما تحمیل مکن و از ما درگذر و ما را ببخشای و بر ما رحمت آور؛ سرور ما تویی؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز کن.

بنابراین کلیه اشخاص حقیقی علمی (حوزوی و دانشگاهی) و حقوقی جرائی، سیاسی و حمایتی طبیعت باید احساس مسؤولیت کنند. بنا بر نظر آیت الله بهجت این اشخاص که "معلم اند" باید ادای مسؤولیت نمایند و آلا بازخواست خواهند شد.

۴. یافته‌ها و بحث

نتایج دو مطالعه میدانی به شرح زیر ارائه می‌شود.

۴-۱. تبیین جغرافیای فنی و معرفتی پایداری

علوم ترویج و آموزش به اتخاذ آن تدابیر و راهکارهای مقابله با بحران‌هایی باید بپردازد که انسان در تحقق آن‌ها، نقش مهمی دارد؛ در یک مطالعه توسعه انسانی، علاوه بر اقتضای فن و فناوری، اقتضای معرفتی منطقه مورد مطالعه برای پایداری محیط زیست نیز باید مد نظر باشد. به سخن دیگر، توسعه انسانی را باید به نحوی پیش بُرد تا نه تنها از نظر فن و فناوری، بوم‌گرا و متناسب با زیست‌بوم باشد که از ضروریات تحقق پایداری است (Shahvali, 1994) بلکه به بوم معرفتی به عنوان یک وظیفه معرفتی سازگار و انسجام‌بخش با انگیزه‌ای صحیح و بنیان نظری قابل دفاع، نیز باید توجه کند (Khoshnevis, 2009). برای مثال، سال‌هاست که سخنرانی‌ها و مقالات مرتبط با منابع آب با این جمله آغاز می‌شوند که ایران با متوسط ۲۰۰ تا ۲۵۰ میلی‌متر بارندگی از جمله کشورهای خشک و نیمه‌خشک جهان است؛ ولی افکار عمومی، بحران خشکسالی را به خوبی درک نکرده و کماکان پندار زوال‌ناپذیری منابع آب در جامعه ملاحظه می‌شود (Talebbikhokhti, 2012)؛ در این صورت، چنانچه مخاطبان ترویج و آموزش، هم‌زمان از جغرافیای فنی و

معرفتی منطقه خویش آگاه باشند بهتر می‌توانند از منابع آب استفاده کنند. در این راستا، در انجیرستان‌های شهرستان استهبان در شرق استان فارس که از گذشته دور سرمایه کهن کشور قلمداد شده و تنها منطقه انجیرستان دیم جهان است، به دلیل کم‌آبی و خشکسالی، دچار بحران است؛ لذا هم-زمان جغرافیای فنی و معرفتی منطقه، برای حفظ رطوبت خاک مدنظر قرار گرفت.

سه مشکل انجیرستان‌های شهرستان استهبان: شناخت ناکافی انجیرکاران از اهمیت آب؛ شناخت ناکافی آنان از روش‌های ذخیره رطوبت خاک؛ تمایل نداشتن به به کارگیری روش‌های ذخیره رطوبت خاک بود. از فهرست چهارهزار انجیرکار عضو تعاونی باغ داران سال ۱۳۸۹ شهرستان، ۵۰ نفر به طور تصادفی مشخص شدند که در دو گروه ۲۵ نفره با دو برنامه آموزشی متفاوت به طور تصادفی شرکت کردند. طرح نیمه‌تجربی یک گروه کنترل و یک گروه شاهد تشکیل شد که گروه تجربی، تحت تأثیر آموزش مطالب فنی همراه با هنر تصویرآفرینی قرآنی کلامی و پرده‌خوانی قرار گرفت؛ اما گروه شاهد، فقط با روش کلاسی، آموزش دیدند. در پایان، از هر دو گروه پس-آزمون با پرسش نامه به عمل آمد که در شکل ۲ آمده است.

Farshadgohar and Shahidi, 2002

تصادفی گروه‌ها متغیرمستقل پس‌آزمون

T E+Xi O R

T E C R

R: تصادفی بودن گروه‌ها، O: گروه آزمودنی، C: گروه کنترل، E: آموزش مطالب فنی، Xi: قصه‌خوانی و

پرده‌خوانی، T: پس‌آزمون

شکل ۲. طرح یک گروه کنترل با پس‌آزمون

نتایج آزمون نشان داد که آموزش همراه با هنر تصویرآفرینی قرآنی توانست در گروه تجربی نسبت به اهمیت آب تفاوت معنی‌داری ایجاد نماید، از روش‌های ذخیره‌سازی رطوبت خاک شناخت بیشتری کسب کنند و تمایل به کارگیری این روش‌ها زیادتر شود. به این ترتیب شیوه هنری تجسیم، تشخیص و تخیل قرآنی توانست در ایجاد ارتباط مناسب رفع سه مشکل، به اثربخشی آموزش گروه تجربی کمک کند و توانمندسازی هم‌زمان فنی و معرفتی آنان را در رفع معضل کمبود آب فراهم کند. خلاصه این توانمندی چنین است:

توسعه فنی انجیرکاران	توسعه معرفتی انجیرکاران
- از تابش خورشید بر سطح آب با پوشش‌دار کردن مسیر آن ممانعت کرد؛ - جبران کاهش بارندگی با آبیاری تکمیلی انجیرستان‌ها هرچند سال یک بار؛ - کاستن دفعات مصرف آب‌های زیرزمینی؛ - انجام اقدامات حفظ رطوبت خاک.	- انسان خلیفه‌الله وظیفه دارد تا منابع آب را به نحو احسن مصرف کند؛ - ادامه زندگی، به آب وابسته است؛ - آب برای انسان، رزق‌وروزی می‌آورد؛ - مصرف بهینه آب به زندگی خیروبرکت می‌دهد؛ - نعمت گران‌بهای باران، برای پاکیزگی نازل می‌شود که ریزش کافی آن، نشانه حکمت و تدبیر الهی است؛ - شکرگزاری رحمت الهی باران، مصرف بهینه آن است؛ - اسراف آب شرعاً جایز نیست و ذخیره آن کار نیک شمرده می‌شود.

۴-۲. تبیین پذیرش فناوری‌های نوین

سیر تحول پذیرش فناوری‌ها نشان داده است که لزوم نگاه متعالی به فرآیند پذیرش فناوری‌ها فرارسیده است؛ زیرا حضور خداوند متعال در متن زندگی فردی و اجتماعی، عنصر اصلی هستی‌شناسی است (Garret, 1996) که این معرفت‌شناسی، محدودیت‌های علم را که با حکمت برابر نیست نیز آشکار می‌کند؛ زیرا حکمت ماورایی، انسان را از ناشناخته‌ها و نامعلوم‌ها آگاه و دامنه وسیع‌تری از موقعیت را به او می‌شناساند. دیگر اینکه،

بر کل‌نگری به‌عوض جزءنگری تأکید دارد که موجب می‌شود تا به واقعیت حال، گذشته و آینده، نگاهی متعادل داشت که دانشی فراتر از نیروهای حسی و ذهنی، در انسان تشکیل می‌گردد.

از طرف دیگر، هر نگاه متعالی، یک حکمت عملی نظیر اخلاق، اقتصاد، سیاست و حتی تدبیر منزل را به همراه دارد؛ زیرا حکمت، بدون جهان‌سازی، مجموعه‌ای بیش از مفاهیم تجرید و خشک نیست (Javadi Amuli, 2007). بنابراین، حکمت‌های عملی را باید از مبانی حکمت نظری استنباط کرد تا انسان را برای انتخاب شایسته‌تر، هدایت کند (Akbarian, 2007). به همین دلیل، تلاش‌های پایداری در عصر حاضر باید بوم‌گرا باشند (Abedisarvestani, 2008) تا رفتارهای انسان در جامعه با هدف تقرب به خدا انجام گیرند؛ تحقق پایداری با فناوری‌های نوین نیز باید در این راستا باشد (Shahvali, 2017) تا صحنهٔ عبرت‌آموزی از آیات الهی برای درک توحید فراهم شود؛

بنابراین، پایداری طبیعت با پیروی از حکمت متعالی با انتخاب بهترین اهداف و شیوهٔ خداپسندانه، در راستای سیرالی‌الله و آبادانی بهتر، فراهم می‌گردد؛ براساس این، الگوی پذیرش و انتخاب فناوری‌های نوین می‌تواند متعالی باشد تا سه نظام انسانی، طبیعی و الهی را هم‌راستا کند (Ibid). الگوهای پذیرش فناوری آبیاری تحت فشار در حوزهٔ کشاورزی با این اهداف اختصاصی انجام گرفت:

۱. مقایسهٔ توان پیش‌بینی الگوهای نشر، ساختار مزرعه و محیط زیستی فناوری آبیاری تحت فشار؛

۲. ارائهٔ الگوی متعالی پذیرش فناوری‌های نوین کشاورزی سازگار با بوم فنی و معرفتی کشور (اسلام).

براساس پیشینهٔ موضوع و مباحث نظری سطور بالا، چارچوب نظری پذیرش فناوری نوین آبیاری تحت فشار طراحی گردید که از عوامل مستقیم و غیرمستقیم هریک از

الگوهای نشر، ساختار مزرعه و محیط زیست متأثر می‌شود. عوامل الگوی نشر تعیین‌کننده آگاهی و تمایل فرد برای پذیرش این فناوری است؛ عوامل الگوی ساختار مزرعه، معرف عوامل اقتصادی تعیین‌کننده، توانایی فردی پذیرش این فناوری است و بالاخره، مسئولیت‌پذیری محیط زیست و کنترل‌پذیری رفتار محیط زیستی از عوامل الگوی پذیرش این فناوری محسوب می‌شوند.

نتایج پژوهش عاطفت دوست (Atefatdoost, 2019) در پذیرش فناوری نوین آبیاری تحت فشار در شهرستان آبادیه در شمال استان فارس نشان داد که ضرایب استاندارد تابع ممیزی الگوی محیط زیستی، متغیر کنترل‌پذیری مسئولیت محیط زیستی، بیشترین سهم و اهمیت را در تابع ممیزی محیط زیستی دارد ($r=0/952$) که مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده گروه‌های پذیرنده و نپذیرنده فناوری آبیاری تحت فشار بوده که توانست به طور صحیح ۷۴/۹ درصد گروه پذیرنده و ۶۶/۱ درصد گروه نپذیرنده را در گروه‌های واقعی قرار دهد و در مقایسه با الگوهای نشر و ساختار مزرعه، مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده گروه‌های پذیرنده و نپذیرنده فناوری آبیاری تحت فشار باشد.

از آنجاکه والاترین نوآور خلقت هستی، به‌ویژه خلق انسان، خداوند باری تعالی است او به جد از خلیفه خود می‌خواهد تا زمین را آباد کند و در این آبادسازی با هوش، استعداد و خلاقیت که خداوند در اختیارش نهاده با وحی هم‌راستا باشد؛ زیرا در این باره انسان به خداوند تعهد سپرده است. بنابراین، همگان به آبادانی زمین و شرایط آن موظف‌اند تا جامعه اصلاح شود به شرط این که آحاد آن، قداست طبیعت را مخدوش نکنند (Shahvali et al., 2019) تا دستاورد آن‌ها به انتخاب سیاست و اقتصاد متعالی ناشی از نوآوری، جامعه را به طور عام و ذی‌نفعان نوآوری را به طور خاص بهره‌مند سازد. هریک از الگوهای نشر، ساختار مزرعه و محیط زیستی به تنهایی در تحقق این مهم کارساز نیستند؛ بنابراین،

الگوی پذیرش فناوری محیط زیستی شَعَف که در این مطالعه به کار گرفته شد، جامعه به طور عام و ذی‌نفعان فناوری آبیاری تحت فشار به طور خاص در نظر داشت تا:

- پایهٔ حیات سعید اجتماعی را برای مردم فراهم کند؛
- جامعه به طور عام و ذی‌نفعان نوآوری را به طور خاص، پایدار گرداند؛
- به مردم فرصت دهد تا امور خود را با فناوری اصلاح کنند؛
- برای قوام معاد و معاش مردم، منافی را دارا باشد.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

فرهنگ لغت دهخدا، واژهٔ تبیین را واضح و آشکار شدن، هویداشدن، روشن و هویداشدن معنا اعلام کرده است. خداوند در ۶۳ مورد آیه *يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبينَ لَكُمْ* به معنای تا برای شما تبیین کند را، به کار برده است (Shahvali, 2024)) تا هنگام اندیشیدن؛ درخواست هدایت؛ درخواست دست یابی به سنت‌های صحیح پیشینیان به انسان کمک کند. از طرف دیگر، داوری اردکانی (Davare Ardekani, 2016) معتقد است که مردمان در صرافت طبع خود، پیوندی کمابیش مسالمت‌آمیز با طبیعت دارند و در عرف عام، طبیعت مستقل از وجود آدمی است و در نحوهٔ وجود و نظام آن، مردم دخالتی نداشته‌اند؛ ولی وقتی از طبیعت به‌عنوان محیط زیست سخن می‌گوییم، جایگاه و معنای طبیعت را به اعتبار تصرف انسان در آن، در نظر می‌گیریم.

بنابراین، حقیقت طبیعتی و اعتبار تصرف انسان در آن در زیر نمایش داده شده است:

حقیقت طبیعت

واقعیت محیط زیست انسانی

همان‌طور که در بخش نظری آمد حقیقت طبیعت چنین است:

۱. انسان، نیازمند بازیابی قداست طبیعت است تا نقش خلیفه الهی او را آفتابی سازد؛
۲. طبیعت، قرآن را عملی و قرآن، طبیعت را وحیانی تعریف و تبیین می‌کند؛
۳. قرآن، کتاب تشریع و طبیعت، کتاب تکوین است که از یکدیگر رمزگشایی می‌کنند و بدون این دو نمی‌توان تصویر جامعی از آن‌ها ارائه داد؛
۴. قرآن، از سیمای دلربای خالق خود پرده برمی‌دارد و طبیعت بزرگ‌ترین شاهکار آفرینش است.

به اعتبار ۳ نوع تصرف، طبیعت را برای محیط زیست انسان می‌توان این گونه تبیین کرد:

تبیین تصرف برهانی یا عقلی؛ یعنی همان قدر که به حقیقت طبیعت اهمیت می‌دهیم، به همان اندازه به نیازهای انسان باید اهمیت داد. به زبان ریاضی این نسبت باید برابر ۱ باشد.

حقیقت طبیعت

= ۱

واقعیت محیط زیست انسانی

تبیین تصرف تشریعی و روائی

کَلِمَ رَاعٍ، وَ کَلِمَ مَسْؤُولٍ عَنْ رَعِيَّتِهِ

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَاْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ.

تصرف عرفانی از زبان مولانا هنگام عبادت چنین است:

من از آن رو نهم سر بر زمین تا گواه من بود در روز دین
یوم دین که زلزلت زلزالها این زمن باشد گواه حالها
کو تحدّث چهره اخبارها در سخن آید زمین و خارها
فلسفی مُنکر شود در فکر و ظن گو برو سر را بر آن دیوار زن

بنا بر جمع‌بندی سه‌گانه بالا می‌توان نتیجه گرفت که

۱. برخی برنامه‌های توسعه سرزمینی مثل احداث آزادراه تهران-شمال بر روستاهای پیرامونی کشور، با تصرف برهانی و تعقلی انجام نگرفته است؛ زیرا نتایج مطالعه این آزادراه نشان می‌دهد که (Zalinezhad and Alipoor, 2021)

در محدوده مطالعه، علی‌رغم مزایای غیر قابل انکار کاهش میانگین شیب طولی، افزایش سرعت سفر و کاهش مصرف انرژی، این پروژه اثرات و پیامدهای منفی بر روستاهای پیرامونی دارد. یافته‌ها همچنین نشان داده است که روستای سینوا واقع در مسیر با دگرگونی‌های بنیادین مواجه شده است و احداث آزادراه نه تنها هیچ‌گونه جنبش و پویایی اقتصادی به وجود نیاورده است، بلکه با تصرف و تخریب بافت اصلی روستا، از بین بردن

زمین‌های زراعی، باغات و مراکز دام پروری، درمجموع هیچ گونه دستاورد اقتصادی و گردشگری نداشته است.

این در حالی است که کشور چین، با اتوبان هوایی ۸۸۰ کیلومتری در مدت ۳۶ ماه از دل جنگل‌ها و رودخانه‌ها، قسمت‌های شمالی رشته کوه‌های هیمالیا را به منطقه ترکستان این کشور و به منطقه کشمیر پاکستان و بدون تخریب جنگل و البته با مناظر چشم نواز، به هم رسانده است (Mizan News.Ir, 2019) آزاد راه تهران-شمال در ایران پس از ۲۰ سال هنوز به پایان نرسیده است.

۲. پیرامون تصرف قرآنی و تشریعی محیط زیست انسانی، نگارنده در گفت و گو با مجله فرهنگ و علوم انسانی عصر اندیشه، به مناسبت روز بزرگداشت ملاصدرای شیرازی (Shahvali, 2020). بهره‌مندی محیط زیستی را با نظریه "تفکر جانبی" ادواردو دوبونو، مطرح کرد. این نظریه بر مبنای توانایی‌های مغز انسان این نکته را طرح می‌کند که گرچه کانون توجه ما حفظ محیط زیست است، ولی الزاماً بر نقطه شروع تصمیم‌گیری برای حفاظت آن منطبق نیست. در این راستا، با دو امر "مکتوب" و "محتوم" قرآنی و امر "مختوم" تشریعی، عبودیت خداوند متعال را نقطه شروع حفاظت محیط زیست انسانی، معرفی نمود. این سه امر در زیر تشریح شده است (Shahvali, 2019):

"امر مکتوب" آن است که خداوند در قرآن امر کرد: و چون خانه [کعبه] را برای مردم، محل اجتماع و [جای] امنی قرار دادیم [و فرمودیم] در مقام ابراهیم نمازگاهی برای خود اختیار کنید و به ابراهیم و اسماعیل فرمان دادیم که خانه مرا برای طواف‌کنندگان و معتکفان و رکوع و سجودکنندگان، پاکیزه کنید؛ به دلیل قداست و امنیت از مردم می‌خواهد تا معیشت/ اقتصاد، اجتماع و سیاست خود را نیز بر این امر بنیان‌گذاری کنند؛ زیرا تحقق محیط زیست متعالی شرایط امن و پاکی را برای بازگشت انسان به خداوند فراهم می‌آورد تا به عبادت او پردازد که این امر الهی در قرآن مکتوب است.

خداوند، همچنین می‌فرماید: به سبب آن چه دست‌های مردم فراهم آورده، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است تا [سزای] بعضی از آن چه کرده‌اند به آنان بچشاند، باشد که بازگردند. بنابر این آیه، علت فاعلی فساد در خشکی و دریا رفتار انسان‌ها است، ولی علت‌غایی، قطع ارتباط انسان‌ها با خالق خویش است. به سخن دیگر انسان ضمن لزوم نهی از فساد در محیط زیست، کمال خویشتن را در بازگشت به خالق متعال باید دریابد که این امر از نظر قرآن محتوم (حتمی) است.

چنانچه انسان به خداوند بازنگردد و برای تحقق محیط زیست متعالی اهتمام نرزد، توسط انسان معصوم غائب، این امر را به سرانجام می‌رساند؛ زیرا اولین انتظار از حکومت او تحقق این امر است. این امر مختوم (ختم کلام) در دعای عهد امام صادق آمده است که اولین دادخواهی امام زمان پس از ظهور: آبادکردن سرزمین‌های خداوند و احیا کردن بندگان او است. امام معصوم شهادت می‌دهند که آبادسازی محیط زیست و احیای بندگان، همانا "عبودیت خداوند" و امری "مختوم" است.

۳. در تصرف عرفانی محیط زیست انسانی، اجازه تصرف در آن منوط به رعایت ادب انسان با شناخت حد خویشتن است؛ البته از نظر مولانا، شرط این ادب، تسلیم شدن انسان به قانون، حق و خداوند است که از راه تواضع او به خداوند میسر می‌شود که جلوه برای فنا شدن در او است. به همین دلیل مولانا می‌گوید:

بادوخاک و آب‌وآتش بنده‌اند با من و تو مرده، با حق، زنده‌اند

دانشگاه هاورد در ایالات متحده آمریکا نیز، سری‌گتیب محیط زیست از منظر ادیان ابراهیمی و آئین‌های انسانی را منتشر نموده که یک جلد به اسلام و محیط زیست اختصاص دارد و توسط جهاد دانشگاهی فردوسی مشهد، هشت فصل آن به فارسی برگردان شده و یک فصل آن به جهان زنده در مثنوی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی (رومی)

اختصاص دارد. بخش انتهائی این فصل، به پیام اکولوژیک مولانا می‌پردازد که برخی اشعار عرفانی محیط زیست او عشق به خداوند در کل هستی از نگاه مولانا است:

دور گردون‌ها ز موج عشق دان گر نبود عشق بفسردی جهان
کی جمادی محو گشتی در نبات کی فدای روح گشتی نامیات
روح کی گشتی فدای آن دمی کز نسیمش حامله شد مریمی
هر یکی بر جا ترنجیدی چو یخ کی بدی پران و جویان چون ملخ

مولانا معتقد است که بدون درک طبیعت و جایگاه انسان در آن نمی‌توان به لحاظ معنوی پیشرفت کرد حتی اگر مایل به در نظر گرفتن آن نباشیم. در این راستا او میل باطنی انسان به طبیعت را اصل انسان می‌داند و آن را می‌ستاید:

دل ز هر یاری غذائی می‌خورد دل ز هر علمی صفائی می‌برد
از لقای هر کسی چیزی خوری وز قران هر قرین چیزی بری
وز قران خاک با باران‌ها میوه‌ها و سبزه و ریحان‌ها
وز قران سبزه‌ها با آدمی دلخوشی و بی‌غمی و خرمی

مولانا جهان هستی را همیشه پویا می‌داند که به سمت نیکی غالب در حرکتِ رو به تعالی است (Foltz, et al., 2015)؛ لذا براساس تصرف سه‌گانه بالا، انسان‌شناسی شناختی معنوی پیش‌نیاز معماری نوین علوم ترویج و آموزش محیط زیست است.

منابع

Abedisarvestani, A (2008), Explanation of environmental etechs among academic and students in Shiraz University, Extension and Education Department, Agricultural College, Shiraz University Ph.D. Thesis. (in Persian)

Akbarian, R. (2007), Tracendental Wisdom and Curent Philosophical Thinking, Sara Islamic Fudation Publication, Theran. (in Persian)

Atefatdoost, A, (2019), Analysis of Pressurized Irrigation Technology Adoption Models with the Emphasize on the Environment at Abadeh County, School of Agricultur, M.Sc Thesis in Agricultural Extension and Education, Agricultural Collgege, Shiraz University (in Persian).

Ayaze, M. R. (1999), Decision-making approach from Emam Khomini prespective, with emphasis on interation system, Hozour Jurnal, No. 24, Site of Hozeh, access date: fourth of April 2009. (in Persian)

Behjat, M. T. (2025), in Behjat cursework presentation, Baharolanvar, Vol. 72, No. 73; p. 38. Access date: 12 February 2025. (in Persian)

Beheshti, H. (2016), Environment Theology is missed from Phylosophy, Mehrnews Aagency, accesess date, 10 November 2016. (in Persian)

Bidhandi, M. Shiravand, M. (2015), Environmental ethics based on episteme analyses of Mulasar' Asfar Arbae, in: Ecological Ethics Journal, Vol. 4, No. 13, Fall 2015; Pp:55-73.

Davare Ardekani, R (2016) Mmind and natre are separatalbe from each other, Mehrnews Aagency, accesess date, 10 November 2016. (in Persian)

Farshadgohar, N. and Shahidi, M. H. (2002), Bibugraphy and Research in Humanity Sceices, Economic affairs Collgege, Tehran University Publication. (in Persian)

Foltz, R.; Denny, F. and Baharudddini, A. (2015), The Universe Alive: Nature in the Masnavi of Jalal al-Din Rumi; Translators: Khajeh-Hosseini and , S. Sh. Moinoddini, Jehade Daneshghahi, Fersdosi University, Pp: 37-59, (in Persian).

Garret, R. (1996). Three definitions of wisdom. In: Lehrer, K., Lum, B., Slichta, B. and Smith, N. (Eds.) .

Javadi Amuli, A. (2007), Islam and the Environment, Asra Publication Centr. Knowledge, Teaching and Wisdom, Pp: 147-163.

Khoshnevis, Y. (2009), Religionist in science is episteme duty, Humanity Sciences Mythology Journal, Vol. 15, No. 3, Pp: 7-22 .

Mizan News.ir (2019), A highway with 880 Kilomithers long, \$ 65 milyon costs, 36 months, joints China to Pakestan, 13 Januavery, OnAline: <https://www.Mizanonline.ir/fa/news/483693>

Mohagheghdamad, M. (2015), Environment Teology, Intitute of Wisdom Research and Phylosophy, Tehran. P. 147. (in Persian).

Nasr, H. (2008), Relegion and Nature Decipline, 2th Edition, Hehmat Pulicatio, Theran. (in Persian)

Scholz, R. W. (2020), Environmental Literacy in Science and Society, Trancelor: Ghorbani, M. Tehran University Publication. (in Persian).

Shahvali, M. (2024), Speritual cognitive anthropology for traditional artitecher for agricultural extension and education of environment, 10th Congeress of Extension and Education of Agriculture, Rural Development and Eviroment, 28-29 October 2024. Key speaker. (in Persian)

Shahvali, M. (2022), Explanation of national tracendental dynamism enact Iranian-Eslamic Development Model: Enact and National division of labour, 11th Congeress of Iranian-Eslamic Development Model, 18-19 May 2022, Tehran, Iran. (in Persian)

Shahvali, M. (2021), Sadra tracendetal philosophy to expalant nature and human system, 25th national conference of Sadra theologian, 22 May 2021, Tehran, Iran. (in Persian).

Shahvali, M. (2020), Traldom: strating point to conserve environment, Journal of Culture and human Sceince: Asre Andesheh, No. 243: Pp86-88. (in Persian)

Shahvali (2019), Reaserch methodoly of Iranian-slamic Development Model: Transecental Enviroment: 8th Conference: Chalenges and Prereqites; 12-13 June 2019, Tehran. (in Persian).

Shahvali, M. (2016), Thinking and complement of Islami-Iranian Development Model, in conference CD, 3-4 May 2016, Pp 1-11. (in Persian)

Shahvali, M. (2017), Sceintfic methology of Quran to introduce velayate faghlih governance, 1th national conference to challeges future dialogue of Iranian Islamic Revolution, 6 February 2017. (in Persian)

Shahvali, M. (2013), Explanation of trasendental Paradigm to make sustainability happen, Islamic Repulic National Library, Tehran, February 8, Pp1245-1267. (in Persian)

Shahvali, M. (2004), Approaches evolution of environment and natural resources; in: Agricultural

Shahvali, M. (1994). Component Analysis of Farmer and Grazer Decisions and Attitudes in Two Local Government Shiress of New South. Ph. . Thesis.

Shahvali, M., Ateffatdost, A. and Fatemi, M. (2020), a research mehtology for new technology defusion tracendental model, Quarterly of Polotical Coursework of Sciece and technology, Sharif University, Vol. 9, No. 3: PP 45-59. (in Persian)

Tabatabae, M. H. (2012), a coursework from thinking to science; a collection of "Almizan perspective"; Ghonche Publication, Tehran. (in Persian)

Taherifar, L.; Roohani Mashhadi, F.; Gharibzadeh, S., Besharati, M. (2022), Conceptual meaning network of cognitive awareness application in Quran with emphasis on Awareness process, paper collection, ShidBeheshti University, Tehran, Pp. 1044-1069 (in Persian).

Talebbikhokhti, N. (2012), Water, drought, and environment crises, Periodical of Shiraz University Graduates, Vol. 6, No. 2. (in Persian) .

Zalinezhad, K. Alipoor, Y. (2021), Effect Analysis of Tehran-North highway on Soureded Willeges; Rural Ecomical Deveelopment Journal, vol. 6 no.1, Pp: 9149–168, [Online] Available: <https://sid.ir/paper/524782/fa>, (in Persian).

Hezarjariby, J, Safari Shali, R. (2014). The application of basic theory in recognizing indigenous knowledge, Indigenous knowledge of Iran.2(3):43-70. (in Persian)

- Javadi Amuli, A. (2009). *Islam And the Environment*, Qom, Asra Press .
- Karter.B, Charls, N. (2016). *The nature of society and environmental crises*, Translate by Milad Rostami, First edition, Tehran, Sociologists Press. (in Persian)
- MohagheghDamad, S. (2014). *Environmental theology*, First edition, Tehran, Research Institute of Hikmat and Philosophy of Iran Press. (in Persian)
- MohagheghDamad.S. (2011). *Environmental theology (A report of the utopia of Allamah Iqbal Lahori)*, Biological ethics.1: 171-192. (in Persian)
- MohagheghDamad.S. (2000). *Environmental theology*, Academy of Sciences.17:7-30. (in Persian)
- Nabavi.S, Shahriyari.M. (2014). *Religion, morality and Environment, Man and environment*.29: 69-83. (in Persian)
- Nash.K. (2010). *Contemporary political sociology*, Translate by Delforoouz, Tehran, Contemporary look Press. (in Persian)
- Nasr. S.H. (2010). *Religion and natural system*, Translate by Faghfoori, Third edition, Tehran, Hikmat Press. (in Persian)
- Nasr, S.H. (2008). *Man and nature (spiritual crisis of modern man)*, Translate by Gavahi, Tehran, Islamic culture publishing office Press. (in Persian)
- Nasr, S. (1968). *Man and Nature the Spiritual Crisis of Modern Man*. Mandala Books. Published by Unwin paperbacks. London
- Rahnema, M. (1993). *The need for a new language for poverty*, Interdisciplinary journal of dialogue.2. (in Persian)
- Rahnema, M. (1992) *Participation*, In the *Development Dictionary: A Guide to Knowledge as Power*, Wolfgang Sachs, ed. London: Zed Books.
- and Perspectives, First Published, New York: Routledge.
- Rahnema, M. (1997). *The postdevelopment Reader*, London: Zed books.
- Sachs,W. (1992). *The Development Reader. A Guide to knowledge and power*, London, Zed books.
- Ziaei,A. (2016). *post-development (theory, practice, issues and perspectives)*, Translate by Dr Anbari and Others, First edition, Tehran, Science publication Press. (in Persian)

The Spiritual Interpretation of Cognitive Anthropology: A Necessity for the Modern Architecture of Environmental Education and Extension Sciences"

Mansoor Shahvali^۱,

Receive: 2025/02/13 Accept: 2025/05/24

Abstract

The prerequisite for the modern architecture of environmental education and extension sciences is an in-depth analysis of the term "environment," which has a history of five centuries in the Western world. However, it was not until the beginning of the present century that humans were considered the primary factor in its destruction. In this regard, studies in the fields of agriculture, rural development, and the environment from the 1990s to 2020, both domestically and internationally, were examined. The results indicated that cognitive anthropology has been the focal point of these studies. In alignment with the epistemological and technical context of the country, cognitive anthropology in the environmental domain was revisited using the Quranic method of explanation. This approach ensures that the ratio of understanding the essence of nature to the reality of the human environment remains balanced at 1. If this ratio exceeds 1, it means that more emphasis is placed on the essence of nature than on the reality of the human environment, leading to illusion. Conversely, if the ratio is less than 1, it results in the stagnation of spirituality in the human environment. This is because the spiritual explanation of cognitive anthropology considers the purpose and ultimate goal of human beings, reminding them of their role as the divine vicegerent in managing the human environment. This paper presents the method for explaining spiritual cognitive anthropology to enable experts in environmental education and extension sciences to cultivate spirituality in this field by learning from the philosophy of Mulla Sadra and cognitive anthropology.

Keywords: spiritual Explanation؛ cognitive anthropology؛ environment

^۱ Retired professor Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture, Shiraz University, Shiraz, Iran. shahvali@shirazu.ac.ir.